

اجتهاد می‌تواند به همه علوم انسانی سرایت کند

کاویانی اسلام را «سیستم مفهومی جامع» توصیف می‌کند و معتقد است ساز و کار اجتهاد، قابلیت توسعه به حوزه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی را داراست.



کاویانی اسلام را «سیستم مفهومی جامع» توصیف می‌کند و معتقد است ساز و کار اجتهاد، قابلیت توسعه به حوزه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی را داراست.

به گزارش خبرگزاری مهر، حجت الاسلام محمد کاویانی در گفت‌وگو با نشریه «خردنامه همشهری» سبک زندگی را بحثی تخصصی دانسته که در جامعه ما نگاه عمیقی به آن شکل نگرفته است. وی سبک زندگی را اساساً مفهومی اجتماعی می‌داند و معتقد است زندگی‌ای که فقط از نظر فردی اسلامی باشد اسلامی ناب نخواهد بود. کاویانی اسلام را «سیستم مفهومی جامع» توصیف می‌کند و معتقد است ساز و کار اجتهاد قابلیت توسعه به حوزه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی را داراست.

حجت الاسلام محمد کاویانی در ابتدای این مصاحبه می‌گوید: «صحبت از سبک زندگی اسلامی و ارائه الگویی برای آن، نگاهی تخصصی و بسیار عمیق می‌طلبد. این نگاه تخصصی و عمیق حتی امروز نیز به آن اندازه که باید، در جامعه ما حاصل نشده است. معنای سبک زندگی اسلامی، به طور ساده این است که اقتضای زبان کلامی و غیرکلامی همه چیز، از زمین و آسمان و در دیوار و خانه و کوچه و مدرسه گرفته تا قانون وقوه قضاییه و قوه مجریه، همه مردم را به طرف سبک زندگی اسلامی و ایده آل‌های اسلامی سوق می‌دهند.»

وی تذکر می‌دهد: «در حال حاضر، هنوز هم بسیار از همایش‌هایی که برگزار می‌شوند، مقالات و کتاب‌هایی که نوشته می‌شوند، سبک زندگی اسلامی را به حیطه آنچه باید باشند می‌برند. در واقع فقط می‌گویند که زندگی اسلامی و جامعه اسلامی چگونه باید باشد. به این کار، مشخص کردن سبک زندگی اسلامی نمی‌گویند، بلکه مشخص کردن اخلاق اسلامی می‌گویند.» این پژوهشگر حوزه روان‌شناسی عواملی که در نهادینه نشدن سبک زندگی اسلامی دخیل بوده‌اند را در سه مورد خلاصه می‌کند: «یک، پرداختن به ظواهر اسلامی شدن؛ دو، صرف شدن نیرو و افکار مدیران انقلاب برای از بین بردن موانع متعدد و سه، نبود نگاه تخصصی لازم.»

وی با تأکید بر اهمیت نگاه اجتماعی اذعان می‌کند: «نگاه ما به اسلام و زندگی اسلامی قبلاً نگاهی فردی بوده است. سبک زندگی دینی، حتی به معنای عام آن نیز شناخته شده نیست. سبک زندگی مسیحی نیز آن چیزی نیست که امروزه در جامعه مسیحی در جریان است. سبک زندگی بعضی از ادیان دیگر نیز متناسب با چیزی که اکنون در جوامع غربی وجود دارد نیست. با تأملی که داشته‌ام، متوجه شده‌ام متأسفانه بسیاری از بزرگان فرهنگی ما به امکان اسلامی بودن خالص و نابی که از آیات و روایات بر می‌آید عمیقاً باور ندارند، اما رنگ و لعاب اسلامی دادن به موضوعات را قبول دارند.»

کاویانی با تصریح به اینکه زندگی‌ای که فقط از نظر فردی اسلامی باشد اسلامی ناب نخواهد بود عنوان می‌کند: «وقتی صحبت از سبک زندگی اسلامی می‌شود، منظور این است که علاوه بر اسلامی بودن هر چیزی که به فرد مربوط می‌شود، همه ساختار خانواده‌ای که فرد عضو آن است نیز باید اسلامی باشد. مرزها، قانون مندی‌های حقوقی و قوانین اخلاقی مطرح بین افراد نیز باید اسلامی باشد.»

نگاه سیستمی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه می‌گوید: «تلقی بنده از اسلام، سیستم جامع مفهومی بوده است. برای مقایسه سیستم مفهومی با سیستم عینی، باید بدانیم سیستم عینی ویژگی‌هایی دارد که در سیستم مفهومی نیز وجود دارد... فرض کنید اگر فقه اسلامی در گوشه‌ای به طور کامل اجرا شود، اما در کنار آن، اخلاق اسلامی، عرفان اسلامی و روان‌شناسی اسلامی نباشد، این سیستم بودن حاصل نمی‌شود.»

وی با تأکید بر اینکه همه بار سبک زندگی اسلامی بر دوش فقها نیست تصریح می‌کند: «وقتی می‌گوییم نظام اقتصادی نظام اقتصادی باید نظامی اسلامی باشد، این حرفی نیست که فقط فقه آن را بگوید. در بحث نظری صرف، نظام سیاسی نیز باید نظامی اسلامی باشد. اسلامی بودن و نبودن آن فقط به فقه مربوط نمی‌شود. بنابراین فقه فقط بخشی از سبک زندگی اسلامی است. برای ترسیم سبک زندگی، به اخلاق اسلامی و عرفان اسلامی نیازمند هستیم. به عبارت دیگر، به همه علوم انسانی اسلامی، به همان ترتیبی که امروز در جامعه وجود دارند نیاز داریم.»

کاویانی به دو نکته اشاره می‌کند: «نکته اول این است که اسلام را باید سیستم مفهومی جامعی در نظر گرفت. نکته دوم اینکه چیزی به نام اجتهاد وجود دارد که در بحث فقه به آن اشاره شده است. این اجتهاد، از نظر روش‌شناختی و فنی، کمک بسیار محسوب می‌شود. در گذشته متعارف بوده است که اجتهاد فقط به فقه فردی اختصاص داشته باشد؛ یعنی تکلیف عملی مکلفین را مشخص می‌کرده است. امروز با آن روش اجتهادی می‌توان به روان‌شناسی اسلامی و جامعه‌شناسی اسلامی پرداخت و نظام سیاسی اسلامی را ارائه داد.»

وی نتیجه می‌گیرد: «اجتهاد می‌تواند از محدوده اولیه خود خارج شود و به همه علوم انسانی سرایت کند. اگر چنین شود، هیچ

منع فنی و روش شاختی برای دستیابی به سبک زندگی اسلامی در بلند مدت، وجود نخواهد داشت.»

این استاد دانشگاه در پایان یادآور می‌شود: «بحث سبک زندگی اسلامی حاصل جمع همه مباحث دیگر است. اصل اسلام، فقه، تفسیر، عرفان، اخلاق، اقتصاد و همه علوم انسانی اسلامی، هر چه هست و نیست، همه در رده اهداف واسطه‌ای قرار می‌گیرند تا ما را به این سبک زندگی بالفعل برسانند. همه این عناوین در اهداف واسطه‌ای لحاظ می‌شوند که به الگوی رفتاری برسیم. لازمه این کار نیز عزم ملی جدی در بلند مدت است.»

*گفت‌وگوی فوق‌الذکر در صفحات ۱۰۸ تا ۱۱۲ از شماره ۱۳۴ نشریه «خردنامه همشهری» با عنوان «الگوسازی نکردیم؛ تبیین الگوی زندگی اسلامی در عرصه‌های مورد نیاز جامعه امروز» منتشر شده است.